



انترناسیونال ۳۰۳

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

جمعه ۱۲ تیر ۱۳۸۸، ۳ ژوئیه ۲۰۰۹

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سرمدیر: محسن ابراهیمی



حمید تقوایی

شده اند و بنابراین چرا باید حمایت
کرد و اصلا اعتراض و انتقاد به
مردم دارند که چرا بخاطر این تقلبی

صفحه ۲

اپوزیسیون چپ و انقلاب

این نوشته بر مبنای مصاحبه
با کانال جدید در تاریخ ۲ تیر ۲۰۰۹
تنظیم شده است.
اصغر کریمی: جریانات چپ معمولا
خود را طرفدار انقلاب میدانند.
طرفدار مبارزه وسیع توده ها
میدانند. طرفدار سرنگونی میدانند.
منتها در این مورد معین اختلاف
نظرات زیادی بین گروههای مختلف
چپ است و بعضا میگویند این دعوا
و این درگیریها اساسا از دعوی
جناحهای مختلف حکومت،
کاندیداهای مختلفی که مربوط به
خود حکومت هستند شروع شد و
طبعاً آنها علیرغم هر اختلافی که
داشته باشند، هیچکدامشان
اپوزیسیون نیستند، پاره تن حکومت
هستند و همه این چهار کاندیدا قسم
میخورند به سر نظام، حتی به ولایت
مقیه و با همین استدلال بعضی از
گروههای چپ میگویند خوب اساسا
دعوا مربوط به جناحهای حکومتی
است و مردم هم ملعبه دست آنها

۱۸ تیر را گرامی بداریم! جنبش توده ای برای سرنگونی رژیم ده ساله شد

رزمندگی آنها در اعتراضات اخیر
جهان را بهت زده کرد و موجی از
حمایت بین المللی را بدنبال آورد.
انقلاب مردم برای بزیر کشیدن
جناحیتکاران پراه افتاده است. مردم
اینبار با شعارهای "مرگ بر
دیکتاتور" و "مرگ بر خامنه ای" همه
تار و پود نظام را هدف گرفته اند.
رژیم اسلامی از این مهلکه جان
سالم بدر نخواهد برد. قطار انقلاب
برای سرنگونی رژیم اسلامی بحرکت
در آمده است. هیچ نیروی قادر
بتوقف آن نخواهد بود. مردم نه فقط
امیدوارند رژیم را سرنگون کنند،
بلکه بر این باورند که این کار ممکن
است.

جنبش توده ای برای سرنگونی رژیم
جناحیتکار اسلامی ده ساله شد. ۱۸
تیر ده سال قبل تهران و هیجده شهر
ایران شاهد اعتراضات گسترده مردم
علیه جانین حاکم بود. مردم پس از
دو دهه حاکمیت منحوس مشتتی
اوباش، بصورت گسترده و سراسری
بپا خاستند و به مقابله ای قهرمانانه
با آنها پرداختند. شعارهای "آزادی
اندیشه با ریش و پشم نمیشه" و
"مرگ بر طالبان چه در کابل چه
تهران" بوضوح خواست مردم برای
سرنگونی رژیم و خلاصی از حکومت
مذهبی را نشان میداد.

ده سال پیش همچون امروز،
مردمی که ابتدا درشکاف ها و
منازعات جناح های رژیم بمیدان
آمده بودند، بسرعت از آنها عبور
کردند. در فاصله انتخابات ۷۶ تا تیر
۷۸ جنبش سرنگونی روز بروز
قدرتمند تر شد و در هیجده تیر ۷۸
مهر خود را بر اوضاع سیاسی
جامعه کوبید. این جنبش اگر چه
سرکوب شد اما در اشکال دیگری
بکار خود ادامه داد. از آن پس،
جنبش سرنگونی اگر چه افت و
خیرهایی را از سر گذرانده است اما
عمیقتر، ریشه دارتر و گسترده تر شده
است.

در حوادث یکماه گذشته نیز
مردم با استفاده از شکاف های
جناحی رژیم بمیدان آمدند و سناریو
۱۸ تیر ۷۸ را در ابعادی بمراتب
گسترده تر، عمیقتر، مصمم تر و
کوبنده تر تکرار کردند. همدلی و
همبستگی مردم، شجاعت و



سفارت جمهوری اسلامی در استکهلم توسط مردم

معرض تسخیر شد

صفحه ۹

گرامیداشت منصور حکمت

سخنرانان

فاتح بهرامی: عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران
عصام شکری: دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری چپ عراق

صفحه ۱۲

انترناسیونال ۳۰۳ ضمیمه

بزودی منتشر میشود

اسامی قریب ۴۰۰ نفر از دستگیر شدگان اعتراضات اخیر در ضمیمه ۳۰۳
به اطلاع خوانندگان خواهد رسید.

مرگ بر جمهوری اسلامی!
مرگ بر دیکتاتور!

تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران
دوم ژوئن ۲۰۰۹، ۱۱ تیر ۸۸

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ اپوزیسیون چپ و انقلاب ...

که در رأی گیری شده به خیابان آمده اند؟ میگویند اعتصاب نکنید، تظاهرات نکنید چون ملعبه دست حکومتی ها میشود! اینها هیچ جنبه آزادخواهانه و عادلانه ای در این مبارزه نمی بینند و به مردم فراخوان خانه نشینی میدهند! چطور گروهی که خود را در واقع چپ و انقلابی میدانند میتوانند به چنین تجزیه و تحلیلی برسند. شما چنین طرز تلقی را چطور ارزیابی میکنید؟

حمید تقوایی: می فکر میکنم این طرز فکر و سیاست قبل از هر چیز نشان میدهد که این عنوان چپ، کمونیست و انقلابی عاریتی است که بعدا به این میرسد؛ اما اجازه بدهید اول توضیحات و توجیحات آنها را بررسی کنیم. میگویند این یک دعوای انتخاباتی بوده و انتخابات هم ربطی به مردم ندارد و بنابراین مردم اشتباه کرده اند که به خیابانها ریخته اند، متوجه نشدند مساله به آنها مربوط نیست و رسالت این دوستان خیلی کمونیست ما این است که مردم را متوجه نمایند که انتخابات ربطی به آنها نداشته و ندارد و در نتیجه پیامدهای آن هم - به نظر آنان این جنبش توده ای پیامدهای تقلب در انتخابات جمهوری اسلامی است - ربطی به مردم ندارد و مردم اشتباه کردند به خیابان آمدند و در نتیجه فراخوان خیلی کمونیستی و انقلابی این میشود که "مردم اعتراض نکنید، به خانه بروید!"

تنها اندکی واقع بینی و دنبال کردن تحولاتی که در حال جریان است کل این تفکر را دود میکند و بهوا میبرد. حتی اگر یک هفته پیش این حرف کمی توضیح میخواست، امروز به نظر من اظهار من الشمس است که این قضیه انتخابات و تقلب در انتخابات تنها بهانه ای برای مردم بود و آنهم فقط در شروع این حرکت چنین بود. ببینید این حرکت حتی قبل از روز انتخابات شروع شد. جامعه در همان یک هفته قبل از انتخابات خیلی ملتهب بود. جوانها در خیابانها بودند، مردم در خیابانها بودند. ظاهرا قضیه این بود که طرفداران موسوی در مقابل احمدی نژاد آمدند به خیابان و دارند اعتراض میکنند. از همان موقع تحلیلی که ما داشتیم، و به نظر من امروز معلوم میشود که چقدر واقعی و حقیقی بوده است، این بود که حرکت مردم حتی قبل از رأی گیری ربطی به انتخابات ندارد و این فقط قالب و

بهانه ای است که مردم بیابند و اعتراضشان را به کل این وضعیت اعلام کنند.

ببینید، احمدی نژاد چهار سال رئیس جمهور بود و به یک معنا سمبل و نماینده کل جنایتها و سرکوبگریهای یک رژیم سی ساله بود. بخصوص که ولی فقیه که ستون فقرات این حکومت است کاملاً پشت احمدی نژاد قرار داشت. مردم وقتی گفتند میرویم به موسوی رأی میدهم، روی این حساب میکردند که با این حرکت ضربه محکمی به فقیه و احمدی نژاد میزنند و آنها را عقب میرانند. در دوره خاتمی هم دقیقاً در ابعاد کوچکتری همین اتفاق افتاد. آنجا هم وقتی مردم رأی نسبتاً وسیعی به خاتمی دادند، تحلیل و ارزیابی ما این بود که مردم از سر نه گفتن به ولی فقیه، اعتراض به ولی فقیه که آن دوره اگر یادتان باشد ناطق نوری کاندید او بود، رفتند پشت خاتمی که به فقیه و کاندیدایش یعنی به ستون فقرات حکومت بگویند با تو مخالفیم. البته عده ای بودند که این توهم را داشتند که ممکن است خاتمی گلی به سر کسی بزند ولی اساس حرکت مردم این نبود. امروز هم ممکن است بخشی از مردم تصور کنند موسوی واقعا میخواهد اصلاحاتی بیاورد ولی من فکر میکنم این بخش یک اقلیت ناچیزی از کسانی بودند که رأی دادند. اکثریت مردم حساب میکردند که به این ترتیب پایه های این رژیم را داریم میلرزانیم، داریم ولی فقیه را عقب میرانیم و خامنه ای را سر جای خودش می نشانیم و ضربه محکمی به کل رژیم میزنیم. مردم اینطور حساب میکردند که با رأی به موسوی، رئیس جمهور و ولی فقیه حکومت را میزنند و کل آنرا تضعیف میکنند. به نظر من منطق حرکت مردم این بود. و گرنه شما نمی دیدید که در روزهای قبل از انتخابات، جوانان تقریباً خیابانها را به کارناوال تبدیل کرده بودند. با جشن و شادی به خیابانها می آمدند. از همان جا میشد بارقه های این را دید که مردم بلند شده اند تا از این فضا استفاده کنند، که اعلام وجود کنند. وقتیکه احمدی نژاد از صندوق بیرون آمد این خشم و نارضایتی توده ای گر گرفت و جامعه با محمل "تقلب شده" در یک مقیاس میلیونی به خیابانها آمد و گفت: "قبول نمیکنم".

خیلی ذهنی گری و ساده نگری میخواهد که کسی فکر کند بخاطر تقلب در انتخابات است که میلیونها مردم به خیابان می ریزند. در کشورهای امروز بخصوص جوامع جهان سومی مثل ایران انتخابات جعلی و تقلبی يك امر همیشگی و متعارف است. همه مردم هم این را خوب میدانند و با اینحال این مساله به چنین جنبش و اعتراضات توده ای منجر نمیشود. غیرممکن است کسی فکر کند که يك هفته تمام به خیابان آمدن و امروز دیگر جنگ و گریز و با پلیس و درگیر شدن هر روزه با بسیجها و نیروهای انتظامی بخاطر این است که مردم میخواهند فقط تقلب نباشد. گویا مردم از زندگیشان راضی بودند، مسئله ای نداشتند، يك تقلب شده و اینها به این تقلب معترضند و اگر يك نفر بیاید و بگوید این تقلب درست شد - فرض کنید احمدی نژاد میروید کنار و ما بازشماری کردیم و موسوی آمد - جامعه میگوید چقدر خوب شد! برگشتیم به دوران قبل از تقلب که گویا نه گرسنگی بود، نه بی حقوقی بود، نه کسی کشته میشد. همه از جمهوری اسلامی راضی بودیم و همه برمیگردند به خانه هایشان. این تصور خیلی کودکانه است.

اصغر گویمی: حمید تقوایی بگذارید همینجا نکته ای را مطرح کنم، طبعاً اینها که میگویند این دعوای دو جناح است و مردم نباید ملعبه دست آنها بشوند، قبول دارند که فقر است، گرسنگی است و مردم به آن اعتراض دارند. منتها میگویند این دعوا از سر تقلب بود. اینها رقیب بودند. ولایت فقیه و احمدی نژاد تقلب کردند و در نتیجه حق جناح دیگر را ضایع کردند. دعوا از اینجا شروع شد و يك چنین مبارزه ای در این ابعاد هم از همینجا شد. بنابراین این مبارزه حقانیتی ندارد چون مردم به اشتباه رفته اند پشت سر يك جناح حکومت در این قضیه؛ بالاخره یا فریب خورند یا امکانات حکومتی و تبلیغاتش زیاد است. بالاخره رفته اند پشت سر يك جناح و دارند با جناح دیگر در میافتند.

حمید تقوایی: به نظر من این نهایت سطحی نگری کسی است که يك چنین ارزیابی از این مسئله دارد. دعوای بالائی ها بر سر تقلب است (تازه در این مورد هم تقلب محمل بروز اختلافات ریشه ای تری بین دو جناح است) اما مردمی که دارند به تقلب اعتراض میکنند دردها، مسئله شان، مشکلمان با تقلب شروع نشده و با رفع تقلب هم تمام نمیشود.

حتی آن کسی که به موسوی رأی داده است و الان در خیابانها تظاهرات میکند امرش اینست که احمدی نژاد و خامنه ای را بزند. فکر نمیکنم هیچ کس این تصور را داشته باشد که موسوی می آید و همه جا را گلستان میکند. و یا حتی آزادی به هر معنای رقیبی می آورد. چون نه خود موسوی چنین ادعایی دارد و نه جامعه یادش رفته که موسوی نخست وزیر سال 67 بوده است و پایه و یکی از ارکان این حکومت بوده است. تکلیف رفسنجانی هم، که همه میدانند پشت جناح موسوی است، روشن است. جامعه از رفسنجانی متنفر است و انتخابات قبلی هم نشان داد که یکی از شخصیتهای منفور این حکومت رفسنجانی است. میخوام بگویم همان جامعه ای که گرسنگی کشیده، درد کشیده، بی حقوقی را تحمل کرده است؛ همان زنی شنیده و خشم خود را فرو خورده، کارگری که زیر خط زندگی کرده و شش ماه شش ماه حقوقش را نگرفته است، یا جوان بیکاری که به اعتیاد روی آورده است؛ اینها منفذی میبینند که بیابند و پایشان را به اصطلاح لای در بگذارند، بین شکافی که در حکومت افتاده است و حرف خود را بزنند. مضمون و ریشه واقعی این اعتراضات وسیع دردهای واقعی مردم است. این دردها و مشکلات توده مردم امروز خودش را در شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای متجلی میکند.

به نظر من توده مردم وقتی در این نوع برآمدهای اجتماعی و انقلابی به حرکت در می آید، بسیار هوشیارتر و تیزبین تر است از نیروهای چپ هپروتی که میخواهند از کتاب ببینند چطور میشود کار کرد و انقلاب چیست و تعریفش چیست و صف مستقل چیست و غیره. این حرکت از مقولات سنت همیشگی جریانان هپروتی و فرقه ای است. در واقعیت، در جامعه واقعی، بخصوص جوامع اختناق زده ای مثل ایران، وقتی مردم حرکت میکنند بخصوص در شروع کار به مکانیسمها به امکانات و به روندهای موجود و در دسترس و کاملاً از نظر توازن قوا امکان پذیر، کاملاً حق به جانب و قابل تعرض، روی می آورند. چیزی برای توده میلیونی مردم قابل اتکاتر و قابل استفاده تر و مساعدتر از این نیست که جناحهای حکومتی بجان هم بیفتند و دزدیها و جنایات و دروغ و تقلب همدیگر را رو کنند. جامعه از این شرایط استفاده میکنند که کل

رژیم و پایه های رژیم را بزند تحت این لوا که تقلب کردید، دروغ گفتید، به اقرار خودتان دزدی و جنایت کردید و باید بروید. مردم از این طریق وارد میشوند.

این به نظر من مکانیسم واقعی حرکت هر جامعه انقلابی است. همه انقلابها اینطوری شروع میشوند. انقلاب از آخر شروع نمیشود از اول شروع میشود و در قدمهای اول طبیعی است که چهره هایی می آیند و میروند. رهبرانی مثل قارچ سبز میشوند و به همان سرعت از صحنه خارج میشوند. ما در انقلاب پنجاه و هفت این را دیدیم. در انقلاب روسیه هم اینطور بود. به هر تجربه انقلابی که شما رجوع کنید میبینید که چهره ها بسرعت عوض میشوند.

در دوره های انقلابی، جامعه از اولین امکان موجود استفاده میکنند؛ از جریانی که مثلاً شکایتی دارد، گله ای دارد، دعوای دارد و بخصوص در برابر محور، نماد و ستون فقرات حکومت قرار میگیرد - که در ایران این محور ولی فقیه است - استفاده میکند تا حرف خودش را بزند. جامعه این را تشخیص میدهد، مردم میدانند موسوی کی است، ولی این را هم میدانند که موسوی دارد به قول خود جناح فقیه، انقلاب مخملی میکند - یا هر کاری که میخواهد بکند - به هر دلیلی مقابل ولی فقیه قرار گرفته و مردم به خیابانها میروند که از این دعوا به نفع خودش استفاده کنند. این شرایط به مردم اجازه میدهد، فضایی باز میکند، شرایط مساعدی به وجود می آورد که حمله خود را به کل حکومت شروع کنند. بخشی از این جامعه حتماً فکر میکند که اگر موسوی پیروز بشود مشکلات تمام میشود ولی فکر میکنم که این بخش بسیار ناچیزی از مردم است. اکثریت قریب به اتفاق مردم فکر می کنند که با آمدن موسوی روندی شروع میشود که پایه های حکومت را میلرزاند و درچه ای از این میشود برای سرنگون کردن کل حکومت. جنبش واقعی دست میرسد به اولین اهرمها، اولین امکانات، اولین موقعیتهای تا به خیابان بریزد. همه انقلابات همینطور شروع میشوند.

اساس مسئله این است که آن نیرویی که به خودش میگوید چپ، انقلابی و کمونیست موصوف است از پس ظاهر قضایا آن درد واقعی و مکانیسم واقعی حرکت مردم را

از صفحه ۲ اپوزیسیون چپ و انقلاب ...

بشناسد. اعتراض واقعی مردم را بشناسد و بداند وقتیکه این چارچوب دیکتاتوری و اختناق شکست، وقتی حکومتی خودش مشروعیت خود را زیر سؤال برد، که در این انتخابات بخصوص در يك سطح میلیونی در تلویزیونهایشان این کار را کردند، دیگر این حرکت قابل توقف نیست. بخصوص اگر آن نیروی انقلابی ظاهر شود و مضمون و شعارهای واقعی و مسائل واقعی مردم را جلوی رویشان بگذراند و در عین حال قدم به قدم توازن قوا را بشناسد، شرایط واقعی را ببیند و ببیند چطور مردم به سمت زیر و رو کردن کل وضع موجود حرکت میکنند.

امروز دیگر خصلت رادیکال و سیر رو به اعتلای جنبش مردم يك تبیین تحلیلی - تئوریک نیست، يك واقعیت غیر قابل انکار است. روز اول موسوی رأی ما را پس بگیر" شعار غالب بود. شعارهای دیگر هم همان روز بود ولی این شعار رایج و مسلط بود. امروز مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای، شعار مسلط است. امروز دیگر کسی یادش نیست که چه کسی و چطور تقلب کرد. امروز مردم آمدند، حرکتی که شروع کردند، حرکتی که ظاهراً اعتراض به انتخابات و دفاع از جناحی در مقابل جناح دیگر بود - اینطور که چپهای سطحی نگر ارزیابی میکنند - عرض يك هفته به جایی رسیده است که میبینید با شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای، وارد جنگ و گریز خیابانی با نیروهای تا دندان مسلح حکومتی شده است.

جامعه یکپارچه خشم و خروش است و فریاد میزنند. هیچکس نمیتواند این پتانسیل و این خشم عظیم مردم را به حساب انتخابات بگذارد، برعکس است. حتی در دوره انتخابات این مردم بودند که موسوی را به دنبال خود میکشاندند. امروز که خیلی روشن اینطور است. موسوی در يك بیابانی که شب گذشته صادر کرد گفت که من اعتراف میکنم که از مردم آموختم؛ من اعتراف میکنم که مردم به من راه نشان دادند. البته این را میگویند برای اینکه بگویند مردم در چارچوب نظام دارید کار میکنید. ولی يك جنبه از حقیقت که شاید خود نمیخواهد اعتراف کند در این گفته هست به این معنی که حرکت خیابان به ایشان تحمیل شده است. موسوی انتظار داشت، فکر میکرد که از کانهالهای قانونی و در

چارچوب نظام، بدون اینکه پایه های نظام در هم بریزد میتواند مسئله اش را با ولی فقیه حل و فصل کند ولی دیدند اینطور نشد. اگر پادتان باشد رفسنجانی چند روز قبل از روز رای گیری به خامنه ای نوشت جلوی این سرچشمه را با بیل بگیر و گرنه سیلی میشود که با بیل هم نمیتوانیم جلوی را بگیریم؛ و امروز آن سیل به جریان افتاده است. هیچیک از جناحها خواهان این نبودند. هیچکدام فکر نمیکردند کار به اینجا برسد. از همین امروز مردم با این حرکتشان دارند به مناسبات و تحولات درون حکومتی شکل میدهند، و به آنان دیکته میکنند که چه باید بکنند. جناح موسوی امروز خیابان را لازم دارد برای اینکه در غیاب اعتراضات خیابانی جناح فقیه سرش را میبرد. با این حال ترس و هراسش اینست که حرکت مردم کل نظام را نشانه بگیرد و این ترس کاملاً بجائی است! تا همین امروز این حرکت مردم تا حد زیادی استقلال خود را از دعوای جناحی اعلام کرده است، با شعارها، با شیوه های مبارزه و با قدرت میلیونی که به خیابان آمده است.

اصغر گریبی: از این دسته که خارج شویم باز عده ای هستند که گرچه نمی گویند این مبارزات به خاطر انتخابات بوده و می گویند مردم ناراضی و اعتراض داشته اند به خیابان آمده اند ولی معتقدند رهبری آن کاملاً در دست جریان موسوی است. می گویند مردم باید با شعارهای مستقل خود به میدان بیایند. معتقدند رهبری تماماً در دست جناح موسوی است بنابراین جای تأسف است و اظهار تأسف از این وضعیت می کنند. چقدر این تصویر واقعی است و ارزیابی شما چیست از چنین تحلیلی؟

حمید قنایی: به نظر من قبل از هر چیز برای خود این نیروها باید متأسف بود. مسئله انتخابات و تقلب در انتخابات يك جرقه ای بود که يك انبار باروت را منفجر کرد. انبار باروتی که سی سال است خشم خود را فرو خورده است. چطور ممکن است کسی فوراً این خشم را بحساب کسی بگذارد خود همین مردم چند هفته قبل با عنوان موسوی ۱۷ از او یاد میکردند؟ میخواهید استقلال این جنبش را ببینید؟ به سابقه اش رجوع کنید. جامعه در این سی سال

ساکت نبود، اعتراضات و اعتصابات زیادی داشتیم.

از اعتصابات کارگری تا ۱۸ تیر و ۱۶ آذرها و شورشهای شهری و غیره و غیره. آخرین حرکت، حرکت اول ماه مه امسال بود که به نظر من یکی از قدرتمند ترین و اجتماعی ترین حرکتها اعتراضی طبقه کارگر بحساب می آید. يك تاریخ سی ساله پرجنب و جوش در پشت برآمد امروز مردم است. این جنبش توده ای که امروز می بینیم بر آید و نقطه اوج این اعتراضات و جوش سی ساله توده مردم است. تا کنون در هیچ کدام از آن حرکتها مردم صریح و مستقیم حکومت، رئیس جمهور، ولی فقیه را آنهم در ابعاد میلیونی به چالش نکشیده بودند. تا کنون سیاست به این معنای کلان، در خیابان نبوده است. کارگر برای حقوق معوقه اش اعتراض کرده، گفته من آزادی تشکلی می خواهم، در اول ماه مه ها تجمع کرده و خواستهای عمدتاً صنفی اش را اعلام کرده، دانشجوی بلند شده و گفته سوسیالیسم یا بربریت و یا شعارهای آرمانی و سرخ دیگری که نشان دهنده موقعیت چپ بویژه در جنبش دانشجویی بود. ولی هیچ وقت جامعه حتی در مقیاس چند هزار نفره خیابان نریخته بود که حکومت را نشانه بگیرد و اعلام کند مرگ بر دیکتاتور و یا مرگ بر رئیس جمهور و ولی فقیه. تا آنجا که به بالائی ها مربوط است انتخابات و تقلب انتخاباتی مساله حاد روز است و جناحهای حکومت دارند از این طریق با هم تسویه حساب میکنند ولی این مساله در جامعه بجان آمده و معترضی مثل جامعه ایران دری را بروی مردم باز میکند که در مساله دولت و قدرت سیاسی مستقیماً دخالت کنند؛ مساله انتخابات مساله قدرت سیاسی را به خیابانها میکشد و يك سیاست معطوف به قدرت سیاسی و يك اعتراض معطوف به ساختمان دولت را به خیابان می آورد. به نظر جنبشی که به بهانه تقلب در انتخابات شروع کرد و امروز با شعار مرگ بر دیکتاتور در خیابانها است برآیند مبارزاتی است که مدتهاست بر سر حقوق کودک، جوان، زن، و کارگر و معلم و دانشجو و دیگر بخشهای مردم در جامعه جریان داشته است منتهی در کیفیتی بالاتر. جنبش جاری شکل بروز سیاسی اعتراضات و مبارزات گذشته و بسیار نزدیکتر به تعیین تکلیف با کل رژیم است. حتی اگر رنگ یا فرمول بندیش و شعارهایش را در آغاز از خود حکومت گرفته باشد. دیدیم که این وام گرفتن از دعوای

حکومتی حتی سه روز هم دوام نیاورد. اعتراضات مردم اعتراض موسوی نیست؛ این را از قبل انتخابات می بینم، موسوی مدام می گوید در چارچوب نظام، مدام دارد می گوید لباس سیاه و الله اکبر سکوت و غیره، درحالی که مردم فعلاً همه اینها را درهم شکسته اند. شما دیگر رنگ سبزی در این تظاهرات خیابانی نمی بینید؛ کسی به مسجد و تکایایی که آنها توصیه کردند نرفت. عزاداری است و حال باید برگردیم به دوره خمینی و غیره که موسوی گفته، من فکر نمی کنم حتی نیم درصد از این جمعیتی که در خیابانها هستند اینطور فکر کنند. همفکرهای موسوی آنهايي هستند که به عنوان بسیجی و پاسدار در خیابانها هستند و در برابر مردم صف بسته اند. مردمی که موسوی می خواهد جنبششان را به جیب خودش بریزد، یا این نوع چپهای هپروتی عملاً آترا به جیب موسوی می ریزند این مردم بخوبی می دانند که بگویند ما می خواهیم برگردیم به دوره خمینی! این خیلی روشن است وقتی مردم می گویند مرگ بر خامنه ای و مرگ بر دیکتاتور منظورشان صرفاً دوره چهار ساله احمدی نژاد نیست.

هرکس يك میلیمتر وارد به واقعیت سیاسی و تحلیل اوضاع باشد این را می بیند و می فهمد، حتی ژورنالیست های غربی مجبور شده اند این واقعیت را بپذیرند. مقاله ای در آخرین شماره نیوزویک جمهوری اسلامی را حکومت در حال سقوط مینامد. نمی گوید موسوی در حال عروج و احمدی نژاد در حال سقوط است. میگوید رژیم در حال سقوط است. اکنون میست می نویسد انقلابی دارد شکل می گیرد، البته با هشدار و بحث در این باره که چطور جلوی آترا بگیریم. ولی در هر حال دوست و دشمن دارند این جنبش انقلابی را به رسمیت می شناسند. آیا واقعا رهبر این حرکت موسوی است؟ این درست است که الان فراخوانهای اینکه این میدان یا آن میدان جمع شویم را موسوی می دهد، اما در واقع این موسوی است که بدنیاال مردم روان است. اجازه بدهید در مورد این نکته آخر بیشتر توضیح بدهم. موسوی يك روز، چهارشنبه هفته قبل، فراخوانی نداد و صدها هزار نفر به خیابان آمدند و از جمله به جام جم حمله کردند. قبل از آنهم در تبریز صدا و سیما را به آتش کشیدند. اینها نشان میدهد که مردم منتظر فراخوان موسوی نمی نشینند. همان موقع برخی رسانه های غربی مطرح کردند که این جنبش خودجوش است و آنهايي که خیلی رنگ سبز را باور

کرده بودند و تصور میکردند قضیه زیر نگین انگشتی موسوی است این برایشان سؤال شد که اگر این حرکت زیر نظر موسوی است پس چرا مردم بدون فراخوان او به خیابانها می آیند؟ موسوی از همان موقع فهمید که هر روز باید فراخوان بدهد و گرنه این جامعه کار خود را می کند و از دست او خارج می شود. الان که دیگر درگیریهایی خیابانی است و ایشان مدام دارد تکرار میکنند در چارچوب نظام باشید و غیره. رهبر دگرگیریهایی شبانه و روزانه مردم با بسیجی ها و شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای و جمهوری اسلامی نمیخواهیم مردم موسوی نیست. موسوی فراخوان میدهد که این حرکت را کنترل کند و البته از پیش بر نمی آید. همانطور که در ابتدا گفتیم انقلاب در مسیر خودش رادیکال تر، عمیق تر و طبقاتی تر می شود و رهبران واقعی و احزاب واقعی خودش را، البته اگر حضور داشته باشند و اگر نخواهند دستشان خاکی نشود و منزه طلبی را کنار بگذارند، می شناسد و جلو می رود، شاید بعداً بتوانیم راجع به این نکته مشروح تر صحبت کنیم.

اصغر گریبی: ممکن است اینطور استدلال کنند که هر جنبشی را از طریق خواسته های آن و مطالباتش و آن خودآگاهی که دارد باید قضاوت کرد و موقعی که نگاه می کنند به این اعتراضات بعضاً شعار الله اکبر بوده که همانطور که شما گفتید خیلی کم شده و مردم هم تکایا و مساجد نرفتند ولی حتی اگر اصلی ترین شعار می دهند یعنی مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای را در نظر بگیریم ممکن است اینطور گفته شود که موسوی هم با ولی فقیه و احمدی نژاد مشکل دارد بنابراین هنوز این شعارها رنگ جناحی دارد و کلیت نظام را زیر سؤال نمی گیرد.

حمید قنایی: فرض می گیریم که این شعارها رنگ جناحی دارد و مردم دارند اینها را می گویند، خب کار يك سازمان اهل عمل، يك نیروی انقلابی دخیل و موثر در جامعه که فقط ناظر تاریخ نیست و می خواهد تأثیر بگذارد چیست؟ آیا کارش این نیست که این شعارها را عمیق کند و واقعاً خواست واقعی مردم را به صورت يك هدف در مقابلشان بگذارد؟ اینکه "جامعه چون شعارهای من را نمی دهد من دخالت

از صفحه ۳ اپوزیسیون چپ و انقلاب ...

نمی‌کنم" منتهای دوری و بیربطی به جهان واقعی است. این انقلابی گری به شرط چاقو است! گویا انقلاب قرار است طبق کتابهای اینها و در لابراتوار به دنیا بیاید و از همان اول شعارها و رهبری این عافیت طلبان را بپذیرد تا این ایشان قدم رنجه بفرمایند و پا به عرصه عمل بگذارند! تاریخ برای کسی فرش قرمز پهن نمی‌کند. انقلاب از آخر شروع نمی‌شود. اینطور نیست که مردم می‌آیند و از روز اول تصویر پیروزی نهائی را جلو خودشان می‌گذارند. مکانیزم حرکتی اجتماعی اینطور نیست. همانطور که گفته به خصوص در جوامع اختناق زده که اجازه نمی‌دهند حزبی مثل حزب کمونیست کارگری فعال باشد، نیرو جمع کرده باشد، خودش را معرفی کرده باشد، در این نوع جوامع حزب و نیروی انقلابی باید در دل شرایط بحرانی وارد عمل شود تا رهبری را بدست بیاورد. باید برای کسب رهبری جنگید. مردم در قدم اول به سمت رهبرانی می‌روند که می‌توانند در توازن قوای معینی که هنوز جنبش ضعیف و حکومت قوی است، از آن استفاده کنند برای اینکه مبارزه خودشان را پیش ببرند. مردم به سمت نیروی می‌روند که بتوانند به بهانه او به طور میلیونی به خیابان بریزند. در شرایط امروز مردم دارند از اهرمهای موجود استفاده میکنند ولی تا همین جا هم حرف و شعار مستقل خودشان را بروشنی اعلام کرده‌اند. مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه‌ای که اکنون یک شعار غالب است یک شعار درون حکومتی نیست. همانطور که مرگ بر شاه یعنی مرگ بر سلطنت، مرگ بر خامنه‌ای هم یعنی مرگ بر جمهوری اسلامی، همه این را می‌دانند.

اصغر گریسی: این را شما و حزب کمونیست کارگری می‌گوید ممکن است اینطور استدلال شود که اگر موسوی مرگ بر دیکتاتور نمی‌گوید بالاخره معنوراتی دارد و نمی‌خواهد خیلی قطبی بکند تا نیروهای سرکوبگر سرش بریزند ولی همه دنیا می‌دانند که با خامنه‌ای مشکل دارد و مردم دارند خواست دل او را می‌گویند. ممکن است بگویند هنوز این شعارهای مردم‌رنگ و بوی جناحی دارد حالا اینکه مردم انگیزه شان چیست مساله دیگری است.

دعواها حاد میشد بالاخره به موقع به نحوی باهم سازش می‌کردند. اما این جنگ فعلی بر سر موقعیت خود ولی فقیه است و دیگر جایی برای سازش و عقب نشینی وجود ندارد. فقیه برای تاجش می‌جنگد و طرف مقابل برای جانش. به این ترتیب کل دستگاه حکومتی دو شقه شده است. از بالا تا پایین، امام جمعه‌ها، روحانیون و آیت الله‌ها، مجلس اسلامی، ادارت دولتی، استانداریها، شهرداری‌ها، مقامات لشکری و کشوری و خلاصه در کل ماشین دولتی این دو دسته در مقابل هم صف‌آرایی کرده‌اند. این کشمکش و مقابله در تمام طول دولت احمدی نژاد ادامه داشت. البته جناح فقیه جناح غالب است به دلیل اینکه دولت و ارتش و پاسداران را در دست دارد. وقتی موعد انتخابات رسید طبعاً جناح رفسنجانی تصمیم گرفت که ریاست جمهوری را از دست جناح فقیه در بیاورد. مردم این دعوا را دیدند و قدم جلو گذاشتند و به این ترتیب این جنبش سر باز کرد و به خیابان ریخت. بعبارت دیگر خشم و اعتراض و مبارزه‌ای که خود باعث ریشه این اختلاف میان بالائینها بر سر چگونگی حفظ نظامشان بود، به خیابان آمد تا کل این نظام را بلرزه درآورد. بنابراین اگر کسی اینطور تصور کند که شعار مرگ بر فقیه به خاطر گل روی موسوی است واقعیت را سر ته دیده است. برعکس است، این موسوی است که بخیال خود دارد از یک جنبشی که خارج از اراده او به همه شان تحمیل شده استفاده میکند که امرش را پیش ببرد. و تا همینجا همانطور که گفته‌ام بر هر که چشم دیدن واقعیات را داشته باشد باید روشن شده باشد که این خیابان است که موسوی را بدنبال خود میکشد و نه برعکس. چه به معنای تحولات ده روزه اخیر و چه به یک معنای عمومی‌تر در دعوی چهار ساله اخیر بین جناحها.

یک نکته دیگر که باید بر آن تاکید کرد اینست که در جریان این انتخابات رژیم از خودش عبور کرد. دعوا ناحی بود ولی کل حکومت خودش را بی اعتبار و سکه یک پول کرد. در مناظره انتخاباتی حکومت از روی نعلش خود رد شد. شما اگر دقت کنید در آن مناظره‌ها برای هیچ دوره‌ای هیچ حیثیتی باقی نگذاشتند. گریه تنها بخش کوچکی از حقایق را گفتند ولی همان اندازه کافی بود تا حیثیتی برای کل نظامشان بجا نماند. از دوره خمینی

و موسوی شروع کردند تا رفسنجانی و بقیه هم پرونده دوره احمدی نژاد را رو کردند. معلوم شد اینها دروغ می‌گویند، جعل می‌کنند، دزدی می‌کنند، زندان خصوصی درست می‌کنند، "انقلاب فرهنگی" می‌کنند، دانشجویان را می‌کشند، همه اینها آمد روی میز. اینها را مردم می‌دانستند ولی حکومت با زبان خود یکبار دیگر این تاریخ سراسر سیاه را در مقابل چشم جامعه گذاشت و لذا مشروعیت خودش را علناً و صریحاً رد کرد. حتی اگر این تقاب نمی‌شد و موسوی هم از صندوق بیرون می‌آمد این جمهوری اسلامی دیگر آن جمهوری اسلامی نبود و مردمی که این عبور حکومت از خودش را دیده بودند، به نظر دیگر هیچ وقت زیر بار این حکومت نمی‌رفتند. شعار مرگ بر خامنه‌ای از این شرایط بر آمده است. این شعار یعنی مرگ بر این دزدان و غارتگرانی که آخرین بار خودشان در تلویزیون اقرار کردند که چه جانورانی هستند (قبل از آن پالیژدار و کردان پسته آیت الله‌های میلیاردی و جعل و دروغ آنانرا روی آب ریخته بود). مرگ بر خامنه‌ای یعنی مرگ بر غارت، چپاول، جنایت و سرکوب.

نکته آخر اینکه در انقلابها هر شعاری ممکن است به شعار محوری تبدیل شود. انقلاب سوسیالیستی روسیه یک محور صلح بود، چون در دور جنگ اول جهانی اتفاق می افتاد و بلشویکها توانستند با شعار قطع یکطرفه جنگ و صلح جامعه را به دنبال خودشان بیاورند. شعار مرگ بر خامنه‌ای یا مرگ بر ولایت فقیه که خیلی روشن و سیاسی تر و مشخص تر دارد می‌گوید جامعه کل حکومت را زیر سوال برده است. اینکه این شعار یک مورد استفاده در دعوای درون حکومتی پیدا کرده تنها موجد این است که اختلافات میان جناحها بازتاب مقابله مردم با کل این نظام است و نه برعکس.

اصغر گریسی: شما گفتید که مبارزه مردم موقعی کامل از اینها رد می‌شود که واقعاً رهبری دیگری انتخاب کرده باشد و خواستش را خیلی روشن و شفاف بشناسد، تاچه حد این انجام شده آیا مردم رهبر دیگری انتخاب کرده‌اند، یا به این سمت حرکت میکنند؟

حمید قوایی: به نظر من تمایل و حرکت جنبشهای برحق و آزادیخواهانه توده‌ای به سمت نیروهای رادیکال تر استشنا نیست

بلکه قانونمندی همه انقلابهاست. همانطور که گفته‌ام اولین چهره‌های دم دست در جامعه اختناق زده را مردم جلو می‌اندازند، مدال رهبری به گردش می‌آویزند ولی به سرعت هم از آن رد می‌شوند چون جامعه به سرعت رادیکال تر شده و خواسته‌های ریشه‌ای تری را مطرح می‌کند، جلوتر می‌آید، اشکال و مضمون مبارزاتی اش عمیق تر میشود و در سیر این حرکت به رهبران رادیکال تر و پیشروتر (البته اگر چنین نیروهایی وجود و حضور فعالی داشته باشند) روی می‌آورد. اینها که فعلاً در جنبش حاضر جلو افتاده‌اند بخشهایی از خود حکومت هستند و جامعه دارد به سرعت از اینها رد میشود. موسوی و رفسنجانی حتی اهل اینکده با اتکا بقدرت مردم جناح مقابل را برزند نیستند. از بد حادثه به این روز افتاده‌اند و جامعه هم این را میداند. اما مردم وقتی اثباتی و قویاً و کاملاً اینان را - حتی بعنوان بهانه و چتر حرکت خود- کنار میکنند که چهره دیگری جلو بیاید و رهبر دیگری را ببینند. ممکن است هنوز این چهره‌ای میانی و گذرا باشد، ولی جنبش از همان آغاز هم رهبر نهائی خود، رهبری که بتواند انقلاب را به پیروزی برساند طلب میکند و هم زمینه عروج چنین رهبری را فراهم می‌آورد. این سیر را داریم می‌بینیم، هنوز خیلی کسانی هستند که می‌خواهند جلو بیایند و بگویند منم، به حرف من گوش کنید. جامعه ممکن است از موسوی و رفسنجانی رد شود ولی مثلاً گیر جناح سکولار خط دو خردا بیفتد که خیلی بیشتر از موسوی اپوزیسیون بوده و رئیس جمهور و نخست وزیرم نبوده. کسانی که مدتهاست می‌گویند آزادی اندیشه و آزادی دگراندیشی، ممکن است اینها جلو بیایند، و چند صباحی نوبت دوزخ‌ادیهای سکولار باشد، اما از اینها هم جامعه بسرعت رد می‌شود. مارکس یک تعبیری دارد که در دوران انقلابی جامعه به چپ سوق می‌یابد و در دوران رکود و سکون برعکس جامعه به راست متمایل می‌شود. الان در دوره سوق یافتن جامعه ایران به چپ هستیم. در خیابانها این را می‌بینید، در شعارها می‌بینید، این یک ارزیابی و حکم بسیار مستند و انکار ناپذیر است که در عرض هفت روز اخیر جامعه به سرعت رادیکالیزه شد و به سمت چپ حرکت کرده است.

از صفحه ۴ اپوزیسیون چپ و انقلاب ...

اگر این سیر حرکت به چپ را ببینیم و برسمیت بشناسیم آن وقت روشن میشود که رهبر واقعی و نهائی این حرکت تنها میتواند نیروی باشد که نقد و اعتراض مردم به کل حکومت را از همان روز اول نمایندگی و مطرح می کند. کسی که از روز اول بگوید مسئله و درد مردم چیست و مضمون واقعی جنبش انقلابی آنان چیست. معنی پیروزی آن چیست. نیروی که مدام به مردم هشدار بدهد که فریب دوستان مصلحتی و ابن الوقت انقلاب را نخورند، رهبران مصلحتی را قبول نکنند و از آنها رد شوند. این مکانیزم دخالت گری فعال برای کسب رهبری یک حرکت توده ای است.

اصغر گویمی: اشاره کردید مردم باید رهبر واقعی را بشناسند. به نظر شما تا چه حد مردم از موسوی عبور کرده اند و یا دارند می کنند؟ آیا مردم به یک نیروی مصمم رهبری انقلاب مثل حزب کمونیست کارگری روی می آورند؟ الان تا چه حد می شود این را دید، شواهد شما چیست؟

حمید قوامی: ما داریم به آن طرف حرکت می کنیم. اگر کسی فقط برنامه چند روز ما را نگاه کرده باشد متوجه میشود که به طور واقعی و عینی الان این کانال جدید، تلویزیون حزب، تنها ارگانی است که دارد به مردم جرات می دهد، اعتماد به نفس می دهد، میگوید دست اندر کار یک انقلاب هستید، میگوید این جنبش بر سر چیست، راه نشان میدهد، می گوید حجابها را بردارید و به خیابان بیایید، می گوید مسجد و تکیه جای اعتراض نیست و از پشت بامها باید مرگ بر دیکتاتور گفت و نه الله اکبر. و شاهدیم که جنبش مردم نیز در همین جهت حرکت میکنند. من فکر میکنم عملکرد ما در این دوره در سمت دهی جنبش مردم به چپ و عبور اعتراضات و شعارهای مردم از موسوی و دعوای بین جناحی نقش به سزائی ایفا کرده است.

اصغر گویمی: چقدر این جریاناتی که خود را چپ میدانند و انقلاب را برسمیت نمیشناسند تلقی شان به خاطر اینستکه درک کلیشه ای از انقلاب دارند. مثلاً اینکه مبارزه واقعی اینست که کارگران اول اعتصاب می کنند و بعد کم کم مبارزه

شان سیاسی می شود و یا مردم از همان روز اول خارج از این جناحها و با خواستهای مشرورعشان علیه اعداء، برای آزادی بیان می ریزند در خیابان و مبارزه شان توده ای می شود و از همان اول رنگ ویوی جناحی ندارد. چقدر درک این گروهها ناشی از درک کلیشه ای است، شما این مکانیزم را چطور توضیح می دهید؟

حمید تقوایی: ممکن است کسانی اشکالات نظری و فکری هم داشته باشند ولی اختلاف نظر اینجا نیست. کسی یا نیروهایی که خودشان را چپ یا کمونیست میدانند و می گویند این انقلاب نیست و قبول نداریم و شعارهایش آنچه که ما فکر می کنیم نیست و پشتیبانی از جناحی از رژیم و غیره است، به نظر من مشکلمان اینجا است که اصلاً اهل این کار نیستند. مساله واقعی اینست که اصلاً انقلاب در نظرات و عملکردشان جانی ندارد. نظرات و راهها و شیوه های دیگری دارند. بهانه اینست که این انقلاب جاری را قبول ندارم چون طبق فرمولهای من اتفاق نیفتاده. خوب هیچ وقت طبق فرمول آنها اتفاق نمی افتد! اینها ظاهراً از فرط رادیکال بودن دست به سیاه و سفید نمی زنند، منزله طلب می شوند و حتی در برابر مردم معترض قرار میگیرند و فراخوان می دهند که بروید خانه، اعتصاب نکنید، خودتان را کنار بکشید و گرنه کشته می دهید و غیره. این برخورد به نظر من از اینجا ناشی نمی شود که به تئوریهایشان و فرمولهایشان عمل نشده، برعکس به این نوع فرمولها اویزان شده اند که خود را از انقلاب واقعی کنار بکشند. این فرمولها عاریتی است. همین نیروهایی که امروز از فرط رادیکالیسم خانه نشین شده اند، و بدتر از آن در برابر جنبش مردم قرار گرفته اند، کافی بود یک دو خردادی دیگری روی کار بیاید تا هزار و یک نقشه عمل و سناریو برای رسیدن بقدرت و تصرف قدرت سیاسی سر هم کنند و بپرند وسط میدان سیاست. طرح بریزند که چطور از طریق دو خرداد باید رفت در حکومت و رفراندوم کرد و قانون اساسی را تغییر داد و غیره و غیره. همین ها وقتی نیروهای ناسیونالیست و قوم پرست دم مرزها شلوغ می کردند فوری یک تئوری و استراتژی سرهم کردند که چطور می شود با بحران آفرینی در مرزها به قدرت سیاسی نزدیک شد. اینجا دیگر تمام رادیکال نمائی و وسواس تئوریک عاریتی شان را کنار گذاشتند و خیلی عملگرا و دخالتگر شدند. الان خانه نشینی ایشان از زور بی چادری است. وقتی توده مردم میلیونی در خیابان

هستند اینها کز میکنند و بگوشه ای می خزند اما وقتی حسن نصرالله جلو می افتد گل از گلشان میشکند و با دست و دلبازی مدال انقلابی و ضد امپریالیستی به سینه اش میزنند! اینها اهل آن کارند، اهل دیپلماسی و پلٹیک زدن سرکار استواری در اردوگاه نیروهای ضد انقلاب هستند و نه اهل انقلاب. قدرت سیاسی مسئله اینها هست ولی نه از طریق انقلاب، بلکه از طریق مکانیزم های بالا، جنگ و تخصصی میان بالائی ها که راه را برای بحران آفرینی در مرزها باز کند و یا قدرت سیاسی را بدامن اپوزیسیونهای مشروع درون رژیم بسندازد که اینها وسط بپرند و بساط رفراندوم و مجلس موسسانشان را پهن کنند. وقتی مردم در صحنه نیستند هزار و یک فرمول دخالت گری عملی دارند و وقتی مردم می آیند به خیابان فوری می پرند در قالب رادیکال که این انقلاب ما نیست همه بروند خانه! این دیگر کمونیسم، حال با هر تئوری هپروتی ای، نیست؛ عین ارتجاع است، عین ضد انقلاب است. تئوری و مارکسیسم و انقلاب همه به کنار، اگر شما یک نیروی سیاسی شریفی هستید، انساندوست هستید، یک جامعه را می بینید که بلند شده گیرم به دنبال موسوی، گیرم به خاطر اعتراض به تقلب، ولی بلند شده و برای یک خواست برحق و مترقی یک هفته است که می جنگد، کشته داده، ایستاده، جنگیده، موضع شما چه باید باشد؟ فایده ندارد و اشتباه است و باید رفت خانه؟! کمونیسم پیشکش انساندوستی و آزادیخواهیتان کجا رفته؟ آنقدر گفتند جنبش سرنگونی شکست خورد و جمهوری اسلامی تثبیت شد و حسن نصرالله و حماس مهد کودک میسازد و ضد امپریالیستی است و کمونیسم ضعیف است و غیره که حالا وقتی موج خیزش میلیونی مردم همه این تئوریهای پا در هوا را (که همان موقع هم برای عدم دخالت در مبارزات مردم سر هم شده بود) در هم می پیچد ناگزیرند بگویند اینها انقلاب نیست، جنگ جناحهاست! خودشان را گول می زنند، سرشان را زیر برف میکنند و می گویند این جنگ ما نیست! راست هم میگویند. جنگ اینها بحران آفرینی در مرزها و مجاهدتهای دیپلماتیک برای رسیدن به مجلس موسسان و پامنبری خوانی حزب الله است. خیزش توده ای مردم جنگ اینها نیست! خودشان را گول میزنند که گذشته شان و تئوریهای باد کرده تا کنونیشان را نجات بدهند. این رادیکالیسم منزله طلبانه تماماً عاریتی است. لازم نیست حتی کسی کمونیست باشد. هرکس بخواهد آن جامعه را بشود، حتی آن جوان آلمانی - که امروز ویدئوش را از کانال جدید نشان می دهیم

- و می آید با لهجه آلمانی می گوید آزادی برای ایران، نمیتواند بی تفاوت بماند. هیچ انسان آزادیخواهی نمیتواند حتی خودش در خانه بنشیند چه برسد به بقیه هم توصیه کند بخانه برود! دنیا به شور آمده. حتی روزنامه های دست راستی می گویند رژیم دارد می افتد، می گویند انقلابی در کار است و آنوقت کسی که خودش کمونیست میدانند می گویند این جنگ ما نیست! واقعا رقت آور است.

امریک کمونیست انقلابی اینست که اولین بروزات طوفان انقلاب را ببیند و به استقبالش برود، از آن حمایت کند حتی اگر مردم اشتباهی می کنند با آنها برود برای اینکه راه درست را به آنان نشان بدهد. برای اینکه حرکت مردم را رادیکالیزه کند. هیچ جنبشی را با در خانه بنشینید نمیتوان بجائی رساند. می دانید این تز کی به پیروزی می رسد؟ در صورتیکه مردم به خون کشیده شوند و شکست بخورند. آنوقت صاحبان این نظرات احساس پیروزی خواهند کرد. این جغد جنبش است نه رهبر آن، آیه یاس خوان انقلاب است، منتظر شکست انقلاب است، پیروزی این خط در شکست انقلاب است.

یک نیروی انقلابی مردم را فرامیخواند که متشکل شوید، با خواستهای انسانی و آزادیخواهانه به خیابان بیایید، فریب نخورید. یک کمونیست انقلابی اگر انقلاب ابهام دارد ابهام هایش را برطرف میکند، اگر انقلاب شعارهایش خالص نیست شعارهایش را جلا می دهد، درد و خواست مردم را سیاسی می کند و به

شعار سیاسی تبدیل می کند و روی میز می گذارد؛ اگر ضد انقلاب می گوید الله اکبر، می گوید برو پشت بام و بگو جمهوری اسلامی نمی خواهیم، بگو مرگ بر دیکتاتور و جامعه به او جواب می دهد، اگر می خواهند به خاطر کشته شدن ندا یا سی نفر دیگر جامعه را به عزا بپرند و لباس سیاه و سکوت را جا بیاندازند این تمهیدات را خنثی کند و غیره. مکانیزم انقلاب و تبدیل شدن به رهبری انقلاب اینست که در این حرکت موجود و واقعی انسانهای زنده توی خیابان شرکت کنید، تن به طوفان بزنید و بچنگید تا در رأس آن قرار بگیرید، رنگ و شعار و پرچم خودتان و هدف استراتژیک خودتان را به اعماق جامعه ببرید، تنها از این طریق است که جامعه میتواند به شما روی آورد و شما را به عنوان رهبر انتخاب کند. کار یک انقلابی مثل کار یک هنرمند و مجسمه سازی است که خمیر را در مقابلش گذاشته اند. هیچ شایهتی به آنچه که ما می خواهیم ندارد ولی ما

باید به آن شکل بدهیم. باید به این خمیر شکل داد. این خمیر آماده وحی و حاضر است، این جامعه، جامعه انقلابی است. این جامعه دارد به سی سال محرومیت و فقر و کشتار و غارت و بی حقوقی اعتراض می کند حتی اگر امروز به موسوی زنده باد بگوید - که نمی گوید- حتی اگر بگوید مرگ بر تقلب - که نمی گوید و می گوید مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای- کار من انقلابی این بود که بگویم درهائیت واقعی اند، پرچم اشتباهی است! دردهای واقعی و خواستهای واقعی ات را پرچم ات کن و روی پای خود بایست، چوبدستی جناحها را کنار بگذار! روی پای خودت بایست و به انسانیت، آزادی، برابری، رهایی متکی بشو. و این کاری است که ما سالهاست و بخصوص در این دو هفته بطور فشرده و بیست و چهار ساعته مشغول آن هستیم. مردم بیست و چهار ساعته با ما تماس میگیرند و دردشان و خشمشان را با ما و با میلیونها نفر دیگر در میان میگذارند. ما به مردم راه نشان می دهیم، اخبار مبارزاتشان را منتشر میکنیم، می گوئیم مردم رژیم مفلوک است و شما مقتدرید، پیروز می شوید، این باید سیاستان باشد، این باید شعارهایتان باشد، مواظب این سناریو باشید، این احتمالات را ببینید و بدانید که چطور باید از آنها رد شوید، این پروسه رهبر شدن انقلاب و به پیروزی رساندن انقلاب است.

اصغر گویمی: شما فراخوانی دادید به سوسیالیستها و کمونیستها که به این حزب بپیوندند. این فراخوان چه ربطی به شرایط امروز دارد؟

حمید قوامی: من به همه رفقا، به همه کسانی که خود را چپ می دانند و واقعا شریف اند، کسانی که احیانا تئوریهای دیگری دارند، به دنبال خطوط دیگری افتاده اند، یا در رودریاستی سابقه شان مانده اند یا هر چیز دیگر، می گویم این روز، روز این حسابها نیست. ما همه مان عمری را گذاشته ایم برای اینکه چنین انقلاب و تحولاتی اجتماعی و طوفانهایی را ببینیم و در آن دخالت کنیم. اگر نمی خواهید وارد این طوفان شوید و نمی خواهید مردم را به راههای رهنمود شوید، برای چه اصلاً به خود گفتید فعال سیاسی، فعال کمونیست، چرا

تسخیر سفارت رژیم در سوئد و زوزه کیهان شریعتمداری

شکنجه گاهها و ... در لیست تصرف خود گذاشته ایم. اگر تاکنون با شنیدن صدای مرگ بر خامنه ای، مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر جمهوری اسلامی زیر پنجره دفتر کیهان نفستان بریده نشده باشد، آماده شوید که بزودی به جرم جنایت علیه بشریت دستگیرتان می‌کنیم و به دست عدالت می سپاریم.

مرگ بر جمهوری اسلامی

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ ژوئن ۲۰۰۹، تیر ۱۳۸۸

شدند.

در خارج کشور نیز در شهرهای مختلف اروپا مراسم های متعدد و بزرگی علیه جمهوری اسلامی و به یاد ندا و سایر جانب‌آختگان راه آزادی و انسانیت برگزار شد و هزاران نفر در این مراسم ها شرکت کردند.

حزب کمونیست کارگری به مردم آزادیخواه در ایران و خارج کشور که با تجمعات و مراسم های خود یاد ندا و جانب‌آختگان خود را گرامی داشتند درود میفرستد و اقدام بزرگ آنها را ارج میبندد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ ژوئن ۲۰۰۹، تیرماه ۱۳۸۸

حزب کمونیست کارگری در پاسخ به حسین شریعتمداری و کیهان، این بلندگوی جنبش تروریستی اسلامی اعلام میکند که احمق ها کارتان از این حرفها گذشته است. میدانید که آنچه این روزها در ایران و در خارج کشور حماسه محسوب میشود، عزم کم رونقی هم در آمریکا، انگلیس و فرانسه ترتیب دادند تا به خیال خود حضور حماسی و ۴۰ میلیونی ملت ایران در انتخابات جمعه ۲۲ خرداد را کم رنگ سازند.

حزب کمونیست کارگری در پاسخ به حسین شریعتمداری و کیهان، این بلندگوی جنبش تروریستی اسلامی اعلام میکند که احمق ها کارتان از این حرفها گذشته است. میدانید که آنچه این روزها در ایران و در خارج کشور حماسه محسوب میشود، عزم خود را گم کرده است. حسین شریعتمداری که این روزها از ترس مردم، خود را در سلولهای اعتراض گیری اوین پنهان کرده است، به عنوان خبر ویژه کیهان، ضمن اقرار به گوشمالی شدن مزدورانشان از سوی کمونیستهای کارگری و انقلابیون در استکهلم مینویسد: "این عده که حدود ۱۰۰ نفر بودند در حمایت از اوباش و اغتشاشگران دو هفته قبل در تهران، به برپایی تجمع اقدام کرده بودند. عناصر ضدانقلاب تجمعات

کیهان شریعتمداری، ارگان چاقوکشان حرفه ای نظام، سازمانده قتللهای زنجیره ای، این آلت قتاله و ابزار تهدید، ترور و نقشه کشیدن برای مخالفین میلیونی این نظام، با تصرف سفارت جمهوری اسلامی به زوزه افتاده است. روزنامه ای که نوشته هایش به واقع در شکنجه گاهها و سلولهای مرگ، در حد فاصل میان زند کابل و گرفتن اعتراف نوشته میشود، بدجوری در منگنه مبارزات انقلابی مردم ایران در داخل و خارج کشور دست و پای

به فراخوان جمعی از مردم کرمانشاه که از طریق کانال جدید به گوش همه مردم رسید و بدنبال آمادگی مردم از شهرهای تهران، اصفهان، شیراز، کرمان، قم و سیرجان که از طریق کانال جدید برنامه های خود را برای برگزاری مراسم اعلام کردند، امروز شبه ساعت ۵ عصر حدود سه هزار نفر از مردم تهران در میدان انقلاب به صورت دسته های مختلف حضور یافتند تا یاد ندا و سایر جانب‌آختگان را گرامی بدارند.

هزاران نفر از مردم تهران یاد ندا را گرامی داشتند

موفق شدند مردم را پراکنده کنند و به هر تجمع بیش از دو نفر حمله می کنند.

عصر امروز در شهرک اکباتان نیز گروهی از جوانان و مردم تجمع کردند و شعار دادند مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر حکومت زور و سپس به یاد ندا و سایر جانب‌آختگان سکوت کردند.

در کرمانشاه نیز مردم برای بزرگداشت ندا به منطقه نوبهار رفتند اما سرکوبگران که این روزها در آماده باش بسر میبرند خود را به این منطقه رساندند و مانع برگزاری مراسم توسط مردم کرمانشاه

کشاورز، خیابان مطهری و فاطمی را به محاصره خود در آورده اند. آنها با ماشینها و موتورهای خود در حالی که باتوم در دست دارند به جوانان حمله میکنند و جوانان بعد از هر حمله ای پراکنده میشوند و در نقطه دیگری تجمع میکنند.

طبق گزارش دیگری تعدادی از مادران جانب‌آختگان به پارک لاله رفتند تا یاد عزیزان خود را گرامی بدارند. نیروهای سرکوب با موتورهای خود در پارک لاله گشت میزدند تا مانع تجمع و مراسم آنها شوند. ماموران

دادند و مردم با شعار مرگ بر دیکتاتور عکس العمل نشان دادند. سرکوبگران سه نفر از جوانان را دستگیر کردند. اما مردم متفرق نشدند و بار دیگر حوالی ساعت ۷ بعدازظهر در بلوار کشاورز غربی تجمع کردند. تجمع کنندگان قصد داشتند خود را به پارک لاله برسانند که با یورش گارد ویژه مواجه شدند و گفته میشود که چند نفر از مردم زخمی شدند. نیروهای گارد ویژه، سپاه پاسداران، بسیج و لباس شخصی ها تمامی خیابانها و کوچه های منتهی به پارک لاله در میدان انقلاب، بلوار

نیروهای سرکوب رژیم به مردم حمله کردند و آنها را مورد ضرب و شتم قرار

اتهامات کثیف سایت پیک نت علیه حزب کمونیست کارگری

کند، دور نیست. دور نیست روزی که همه کسانی که رژیم را در جنایاتش همراهی کردند و علیه کمونیستها و آزادیخواهان پاپوش دوزی کردند، نزد مردم رسوا شوند. عوامل بی چهره سایت پیک نت تا آزمان میتوانند زیر عیای یک جناح رژیم به شغل کثیف شائبه پراکنی و کینه توزی با انقلابیون و حزب کمونیست کارگری ایران ادامه دهند. وقت زیادی برای این شغل کثیف باقی نمانده است. بهای سنگینی باید بپردازند.

تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ ژوئن ۲۰۰۹، تیر ۸۸

افتاده اند. میدانند که خیزش انقلابی مردم ایران تکلیف بسیاری از جمله مسئولین سایت نت و همه کسانی که علیه انقلابیون در سی سال گذشته در کنار رژیم جاسوسی کردند و در قتل و کشتار انقلابیون از هیچ دردیزگی ابا نکردند را، روشن خواهد ساخت. دشمنی مسئولین سایت نت با حزب کمونیست کارگری ایران از همینجا مایه میگیرد.

آرزو که جنایتکاران اسلامی بر صندلی اتهام بنشینند و جهان برای شنیدن اعترافات آنها نفس در سینه حبس

را حزب کمونیست کارگری معرفی کردند. یعنی همان تشکیلاتی که سالها گفته شد که پایه ریزی آن را حسین شریعتمداری و حسن شایانفر تحت سرپرستی سعید امامی برعهده داشته اند و تمام فعالیت های خارج کشور آنها همسو با هدف های مرحله ای و نوبتی باند شریعتمداری- حسن شایانفر در ایران است.

همه جناح های رژیم و پادوهای توده ای و اکثریتی آنها و از جمله کارکنان سایت پیک نت از انقلاب مردم ایران بلرزه

منتشر کرده است تسخیر سفارت را طرح کارکنان سفارت دانسته و حزب کمونیست کارگری ایران را به همکاری با سفارت رژیم متهم کرده است. بعد از متهم شدن مردم معترض در ایران به قتل ندا از جانب امام جمعه تهران، چشممان به ادعای تسخیر سفارت بوسیله خود رژیم هم روشن شد!

سایت پیک نت نوشته است: "این طرح با همکاری کارکنان سفارت صورت گرفت و اشغال کنندگان خود

اشغال سفارت جمهوری اسلامی توسط مزدور آزادیخواه و مخالفین جمهوری اسلامی در استکهلم موجی از شادی و شغف را در میان مردم دامن زد. در عین حال با واکنش فوری دشمنان مردم نیز مواجه شد. سایت پیک نت یکی از وقیحترین و در عین حال رقت بارترین این نوع واکنشها است. این سایت که توسط عده ای بی هویت و بی نام و نشان با خط و سیاست توده ای- خط امامی اداره میشود در اطلاعیه ای که

از صفحه ۵ اپوزیسیون چپ و انقلاب ...

**سوسیالیسم
پا خیز!
برای
رفع تبعیض**

جامعه را به رهایی رهنمون شود. حزب ما هرچقدر هم امکانات داشته باشد، هنوز احتیاج دارد به فعالین، به کادرها، به کسانی که به این صف پیوندند. من یک بار دیگر به این فراخوان تأکید می کنم به حزب کمونیست کارگری پیوندید، امروز روز عمل است، امروز روز دخالت در

سرنوینی است یا حرکت مستقل است یا غیرمستقل است و غیره، الان وقت این حرفها نیست. مردم بلند شده اند دارند هر روزه می جنگند، این مردم نیرویی می خواهند که متشکل شان کند، پرچم رهبری انقلابی و کمونیستی را بلند کند و

حزب درست کردید، چرا دور هم جمع شدید؟ من به تمام کسانی که می خواهند که نقش داشته باشند در زندگی این نسل و یک جامعه هفتاد میلیونی میگویم که امروز وقت این کار فرا رسیده. امروز جای بحثهای تئوریک که آیا این انقلاب است یا

روز ۲۶ ژوئن به یک نمایش قدرتمند بین المللی علیه جمهوری اسلامی و دفاع از مبارزات کارگران و مردم ایران تبدیل شد!

اعتراضی به جمهوری اسلامی شدیداً به سرکوب اعتراضات مردم ایران اعتراض کرده است. میثائیل زومر رئیس کل اتحادیه های سراسری کارگری آلمان در نامه خود نوشته است: "کلیه اقدامات خشن، سرکوبگرانه توسط ارگانهای امنیتی ایران در مقابل اعتراض غیر خشونت آمیز تظاهرات کنندگان تا کنون ابعاد غیرقابل تحملی به خود گرفته است. هر کسی عکسهای کشته شدگان و مجروحان را در تظاهراتهای خیابانی تهران مشاهده کند با خشم، نگرانی و تنفر عکس العمل نشان می دهد."



در این نامه اعتراضی از جنبه های اسلامی خواسته شده است که به خشونت دولتی فورا پایان داده شود و عاملین ضرب و شتم و کشتار مردم باید مجازات و محاکمه شوند. حزب کمونیست کارگری ایران به همه برگزار کنندگان اعتراضات جهانی روز ۲۶ ژوئن درود می فرستد و همه را بر ادامه کارزار جهانی در حمایت از انقلاب آزادیخواهانه کارگران و مردم ایران فرامی خواند.

زنده باد همبستگی بین المللی با کارگران و مردم ایران! مرگ بر جمهوری اسلامی!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران ۲۷ ژوئن ۲۰۰۹

استرالیا، ژاپن، هنگ کنگ، تایلند، هندوستان، سوئد، نپال، اندونزی و نروژ برگزار شد. این اعتراضات عمدتاً در مقابل سفارتخانه ها و دفاتر نمایندگی جمهوری اسلامی برگزار گردید و با شرکت صدها مردم آزادیخواه فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی در همه جا طنین انداز شد. علاوه بر نمایندگان اتحادیه های کارگری از سوی سازمان عفو بین الملل که از این فراخوان حمایت بعمل آمده بود افرادی شرکت داشتند و به ایراد سخنرانی پرداختند. در بسیاری از این تظاهرات عکسهای متعددی از ندا آقا سلطان که به سبب انقلاب تبدیل شده است، دیده می شد و دسته گلهای متعددی به احترام ندا و همه

۲- توقف هر گونه سرکوب خشونت آمیز
۳- آزادی تمامی فعالین اتحادیه ای
۴- به رسمیت شناختن تمامی تشکلات مستقل کارگری در ایران
۵- احترام گذاشتن به حقوق حقه کارگران و قبول تمامی کنوانسیون های بنیادی آی.ال.او،



مشخصاً در زمینه آزادی تشکل و قرارداد دسته جمعی کار ۶- توقف تمامی سرکوب های ضد اتحادیه ای و ۷- بکارگیری مجدد کارگران اخراجی که ناعادلانه از کار بیکار شده اند.

در اعتراضات جهانی روز ۲۶ ژوئن همین خواستهها از زبان نمایندگان اتحادیه های کارگری بازگو شد و سخنرانی های پر شوری در حمایت از کارگران و مردم ایران صورت گرفت. این اعتراضات در کشورهای انگلیس، کانادا، هلند، مراکش، فرانسه، فنلاند، اتریش، عراق، مالزی، مکزیک، نیجریه، آمریکا، دانمارک، ایتالیا، آلمان، سوئیس، ترکیه، اسپانیا، بلژیک، نیوزیلند،

و در اعتراض به جمهوری اسلامی به خیابانها می آیند در اعتراضات روز ۲۶ ژوئن اتحادیه های کارگری ازخیزش انقلابی مردم ایران و تلاش ها آنها برای دستیابی به آزادی و عدالت حمایت کردند. دو روز قبل از انجام این اعتراضات بین المللی رهبران چهار اتحادیه جهانی با ارسال يك نامه اعتراضی به خامنه ای نسبت به

بدنبال فراخوان قبلی چهار کنفدراسیون جهانی کارگری که بیش از ۱۷۰ میلیون کارگر را در سراسر جهان نمایندگی می کنند، در روز ۲۶ ژوئن در ۲۹ کشور جهان اعتراضات با شکوهی در اعتراض به جمهوری اسلامی در مقابل سفارتخانه ها و کنسولگری جمهوری اسلامی و یا در میدانی شهرها برگزار شد در جریان این اعتراضات

"واکنش بیرحمانه مقامات دولتی به بیان خواسته های مشروع مردم ایران" اعتراض کردند. دیوید کاکرافت، دبیرکل فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل، اعلام کرد که "اتحادیه های صنفی روز جمعه به دولت ایران نشان خواهند داد تا چه اندازه در جهان بی اعتبار است و جهانیان درباره سرکوبها و خشونت های صورت گرفته در ایران چگونه می اندیشند" رهبران چهار اتحادیه کارگری جهانی در نامه اعتراضی خود به خامنه ای بر این خواستهها تاکید کردند: ۱- برسمیت شناختن حقوق کامل دموکراتیک برای مردم ایران شامل: آزادی تشکل و تجمع

که با شرکت گسترده ایرانیان ساکن خارج همراه بود، دهها نماینده اتحادیه کارگری و همچنین نمایندگان از سازمان عفو بین الملل به زبانهای مختلف دنیا با کارگران و مردم آزادیخواه ایران اعلام همبستگی کردند و اعلام داشتند که در مبارزه علیه جمهوری اسلامی کنار مردم پیا خاسته ایران قرار دارند.

فراخوان روز ۲۶ ژوئن تحت عنوان "عدالت برای کارگران ایران" انجام شد و هدفش آزادی دستگیر شدگان اول مه و دفاع از حقوق پایه ای کارگران ایران بود. این برای چهارمین بار در سالهای اخیر است که اتحادیه های کارگری در جهان در همبستگی با کارگران ایران

تظاهرات در مقابل سفارت رژیم در "اتاوا"

بدنبال فراخوان چهار کنفدراسیون بزرگ کارگری که بیش از یکصد و هفتاد میلیون کارگر را در سراسر جهان نمایندگی می‌کنند و در پی آن با فراخوان حزب کمونیست کارگری ایران و "کارزار پشتیبانی از مبارزات کارگری در ایران"، اعضا و کادراهی حزب و تعدادی از فعالین احزاب و



جریانات چپ و رادیکال ایران تظاهرات باشکوهی را بتاريخ ۲۶ ژوئن در مقابل سفارت رژیم اسلامی در "اتاوا" سازمان دادند.



چهار کنفدراسیون جهانی - و از جمله فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل - با هدف آزادی دستگیرشدگان اول ماه "مه" و دفاع از حقوق کارگران در ایران اعلام کرده بودند که روز ۲۶ ژوئن در اعتراض به جمهوری اسلامی و همبستگی با کارگران

مزدوران رژیم اسلامی جرأت بیرون آمدن از سفارت را بخود ندادند و در عین حال، دوربین های متعدد شبکه های تلویزیونی در مقابل رهبران اتحادیه های کارگری جهانی، اعضا و کادراهی حزب کمونیست کارگری ایران و فعالین سایر نیروهای چپ و رادیکال صف بستند و با آنان گفتگو کردند.

در این تظاهرات، پس از سخنرانی "استوارت" از حزب کمونیست کانادا، "الکس نوا" دبیر سازمان عفو بین الملل در کانادا، "دنیس لیمیلین" رئیس اتحادیه پست کانادا، "پائول دیور" از حزب نیودموکرات، "روندا ایسینس" رئیس کارکنان عمومی و خدمات کانادا و "امیلی نوبل" رئیس اتحادیه معلمان کانادا، و کادراهی حزب کمونیست کارگری ایران هم رو به دوربین های متعدد شبکه های تلویزیونی از جنایاتی سخن گفتند که حکومت اسلامی نه تنها در دو هفته اخیر بلکه در طول سی سال گذشته همواره بر مردم ایران تحمیل کرده است. سخنرانی فعالین حزب در افشاگری رژیم اسلامی حاضران را بشدت تحت تاثیر قرار داده و اعلام همبستگی پرشور آنها را که با کف زدن های ممتد همراه بود، در پی داشت. فعالین حزب همچنین عکس هایی از "ندا آقا سلطان" دختر جوان و آزادیخواهی که توسط نیروهای سرکوب رژیم در خیابان کشته شد و تصاویری که اعدام و کشتار کودکان و نوجوانان ایران را نشان می داد، در دست داشتند و نیز پلاکاردهایی که بر روی آنها "مرگ بر جمهوری اسلامی" و "حاکمان جنایتکار اسلامی باید محاکمه شوند نه انتخاب" نقش بسته بود. در اینروز "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "جمهوری اسلامی مرگت فرا رسیده"،

"زنده باد انقلاب"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "نه بد می خواهیم نه بدتر فقط دنیای بهتر"، "سرنگون باد سفارت رژیم اسلامی"، "موسوی بهانه است کل رژیم نشانه است" و "سید علی پینوشه ایران شییلی نمیشه" از جمله شعارهایی بودند که توسط فعالین حزب و سایر نیروهای آزادیخواه و برابری طلب سر داده شدند.

"بابک یزدی" عضو کمیته مرکزی و دبیر تشکیلات حزب در شرق

کازمی "کادر حزب و "داوود آرام" دبیر تشکیلات حزب در اتاوا، سخنرانی کردند. همچنین بابک آزاد از چریکهای فدایی، آناهیتا از حزب کمونیست ایران م ل م و مهدی حسینی از حزب کمونیست ایران صحبت کردند و پیام "محمود صالحی" نیز در این مراسم قرائت شد.

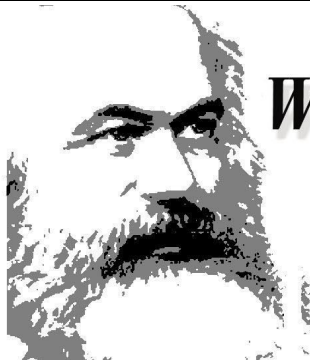
در پایان این تظاهرات، سرود انترناسیونال در مقابل سفارت رژیم ظنین انداز شد که حاضران با شور و



کانادا، "یدی محمودی" عضو کمیته مرکزی و دبیر فدراسیون سراسری شغف وصف ناپذیری و در حالیکه دستان خود را به نشانه پیروزی بالا



برده بودند، با آن همراهی کردند. پناهندگان، "فروغ ارغوان" کادر حزب و عضو کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، "ایرج رضایی" کادر و عضو کمیته تشکیلات شرق کانادا، "نسرین بشارت" کادر و عضو سازمان علییه تبعیض، "محمد



WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org

هلینگی - فنلاند



روز جمعه ۲۶ ژوئن پنجم تیر ماه تظاهرات و تجمعی در مقابل سفارت حکومت اسلامی در هلنسینگی برگزار شد. فعالین حزب کمونیست کارگری، جمعی از آزادیخواهان و احزاب سیاسی دیگری در این تجمع شرکت داشتند. این حرکت با یک دقیقه سکوت بیاد ندا و همه جانبختگان راه آزادی و انسانیت شروع شد و سپس عبدال گلپریان از طرف حزب کمونیست کارگری در مورد زیونی و استیصال رژیم در کشتن ندا و جانبختگان ۳۰ سال حاکمیت این حکومت، در مورد گسترش مبارزات مردم، بن یس رژیم مفلوک اسلامی با همه جناحهایش و همچنین حمایت اتحادیه های کارگری جهان از کارگران زندانی اول مه ۸۸ صحبت کرد. شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی، جمهوری اسلامی

در همبستگی با مبارزات مردم در ایران

روز جمعه ژوئیه در کلن

روز جمعه آینده ۳ ژوئیه در مرکز شهر کلن در آلمان، در مقابل کلیسای دووم در اعتراض به سرکوب مبارزات مردم، در اعتراض به دستگیریهای گسترده و قتل بیش از ۱۰۰ نفر در



تظاهراتهای اخیر، در اعتراض به ۳۰ سال حکومت ترور اسلامی و در دفاع از مبارزات گسترده و وسیع مردم علیه حکومت اسلامی ایران به خیابان می آیم و اعلام میکنیم حکومت تروریست اسلامی باید برود! حکومت سنگسار و

سخنرانان:
رالف جوردانو: نویسنده و چهره شناخته شده علیه فاشیسم و علیه اسلام سیاسی
بصیر نصیبی: نویسنده و منتقد سرشناس در عرصه سینما
مینا احدی: چهره شناخته شده علیه جمهوری اسلامی و مدافع حقوق انسانی
سخنرانان دیگر بعدا اعلام خواهند شد.
در این میتینگ برای اپوزیسیون جمهوری اسلامی، تربیین آزاد وجود دارد!

زمان: جمعه آینده ۳ ژوئیه
از ساعت ۵ بعد از ظهر
مکان: نزدیک ایستگاه قطار مرکزی کلن - جلو دووم
کمیته همبستگی
با مبارزات مردم ایران
۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

سفارت جمهوری اسلامی در استکهلم توسط مردم معترض تسخیر شد

روز جمعه ۵ تیر، ۲۶ ژوئن در استکهلم صدها نفر بدعوت سازمانها و احزاب سیاسی و مخالفین رژیم جمهوری اسلامی در مقابل سفارت تجمع کردند و تظاهرات باشکوهی برگزار کردند. شعارهای مرگ بر خود را بداخل محوطه سفارت رساندند و با مزدوران جمهوری اسلامی که به اسلحه گرم و چاقو مجهز بودند به زد و خورد پرداختند. مردم در یک تقابل رودرو و با شجاعت، موفق به خلع سلاح مزدوران رژیم اسلامی شدند.



دیکتاتور، مرگ بر جمهوری اسلامی ایران، مرگ بر حکومت ضد زن و تنها راه رهایی انقلاب است، از جمله شعارهای تظاهرات بود.
در ساعت چهار و نیم بعد از ظهر تظاهرکنندگان خشمگین با پرچم های سرخ و فریادهای مرگ بر جمهوری اسلامی به سفارت جمهوری اسلامی هجوم آوردند و با شکستن درب سفارت

تظاهرات در مالمو در همبستگی با خیزش انقلابی مردم ایران و علیه جمهوری اسلامی!

مکان: شهر مالمو (سوئد) - Triangeln
زمان: جمعه ۳ ژوئیه ۲۰۰۹
از ساعت ۴ تا ۶ بعد از ظهر
حمایت مردم آزادیخواه کشورهای مختلف از مبارزات مردم ایران، در



از برگزاری اجتماعات مطلع شوید.
تلفن تماس - فریده آرمان: ۰۴۶۷۰۳۶۳۸۰۸۸+
تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران
سوئد (مالمو)
روحیه و پیشرفت این مبارزات تاثیر زیادی داشته است. هر روز تحول تازه ای در جنبش مردم ایران پدید می آید و در مواردی تجمع مردم شریف در حمایت از این جنبش بسیار ضروری و فوری است. در چنین مواردی ما همه روزه از ساعت ۵ بعد از ظهر در میدان گوستاو آدولف اجتماع خواهیم

دیر نیست زمانی که همه سفارتخانه های رژیم در سراسر جهان به تسخیر مبارزین راه آزادی و برابری درآید.
مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد آزادی و برابری!
تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ ژوئن ۲۰۰۹، ۵ تیر



اشکان سهرابی یکی دیگر از جانباختگان روز ۳۰ خرداد ۱۳۸۸

جانباختگان سه گلوله به سینه اشکان جوان زدند و او قبل از اینکه به بیمارستان برسد در گذشت. او در قطعه 257 بهشت زهرا ردیف 50 شماره 19 به خاک سپرده شد. یادش برای همیشه گرامی باد

راهپیمایی در لندن در همبستگی با مبارزه مردم در ایران

روز شنبه ۲۷ ژوئن شهر لندن شاهد یک راه پیمایی با شکوه در حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران بود. در این راه پیمایی که با جهان را به حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم فراخواندند. گزارش کوتاهی از این راه پیمایی به طور زنده از



طی یک مسیر دو کیلومتری به تظاهرات در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ختم شد، جلیل و سخنرانیهای خود مردم تلویزیون مریم نمازی طی کانال جدید پخش شد. جلیل جلیلی

در هفته های گذشته، تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری فعالیتهای وسیعی علیه جمهوری اسلامی در خارج کشور داشته است. در این شماره فقط گزارشی چاپ شده است که به انترناسیونال رسیده است. برای اطلاع بیشتر از این فعالیتها به سایت روزنه مراجعه کنید. انترناسیونال

Www.rowzane.com

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب ها:

انگلیس:

Account nr. 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 60-3 639 60
صاحب حساب IKK

آلمان:

Rosa Mai
Konto Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

اگر از ایران ارسال میکنید: میتونید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸ تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم. تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.



به
حزب
کمونیست
کارگری
پیوندید!

سوسیالیسم
بیا خیز!
برای رفع
تبعیض

یک دنیای بهتر
برنامه حزب
را بخوانید
و در سطح
وسیع توزیع
کنید

سایت حزب: www.wpiran.org

سایت روزنه: www.rowzane.com

نشریه انترناسیونال: www.anternasional.com

سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

آدرس پستی

I.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

مسئول صفحه بندی انترناسیونال: آرش ناصری

هزاران نفر از مردم تهران با حضور در آرامگاه جانبختگان اعتراضات اخیر آنجا را گل باران کردند

مردم آزادیخواه در سراسر کشور را به برگزاری مراسم های بزرگداشت جانبختگان و همراهی با خانواده های جانبخته فرامیخواند.

گرامی باد
یاد جانبختگان راه آزادی و انسانیت

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۰ ژوئیه ۲۰۰۹

دانشجویان و تعدادی از استادان این دانشگاه مراسمی در بزرگداشت کیانوش برگزار کردند. حزب کمونیست کارگری یاد همه عزیزان جانبخته را گرامی میدارد و به خانواده های آنها و همه مردم آزاده ای که با تجمع خود در بهشت زهرا و یا با شرکت در مراسم های کیانوش آسا یاد عزیزان جانبخته را گرامی داشتند درود میفرستد و همه

داشتند جرات نکردند با مردم درگیر شوند. در کرمانشاه نیز دو روز قبل بیش از شش هزار نفر از مردم آزادیخواه در مراسم خاکسپاری کیانوش آسا دانشجوی علم و صنعت تهران که در روز ۲۵ خرداد توسط جنایتکاران حکومت در تهران به قتل رسید شرکت کردند و یاد او را گرامی داشتند. همزمان در دانشگاه علم و صنعت تهران نیز

عزیزان جانبخته یاد آنها را گرامی داشتند. مادران جانبختگان و مردمی که آنها را همراهی میکردند فریاد میزدند و با شعار مرگ بر خامنه ای و مرگ بر دیکتاتور خشم و انزجارشان را علیه حکومت اسلامی بیان کردند. تجمع مردم بیش از دو ساعت به طول انجامید و لباس شخصی های رژیم که در قطعات مختلف بهشت زهرا جمعیت را زیر نظر

بنا به گزارش یکی از خبرنگاران کانال جدید امروز هزاران نفر به بهشت زهرا رفتند و یاد عزیزان خود را که در روزهای اخیر بدست سرکوبگران جمهوری اسلامی به قتل رسیدند گرامی داشتند. از ساعت ۵ عصر امروز چند هزار نفر از خانواده های جانبختگان و مردم آزادیخواه در تهران در بهشت زهرا گرد آمدند و با نثار دسته های گل بر مزار

نامه اعتراضی اتحادیه راه آهن آلمان به سفیر جمهوری اسلامی

همبستگی جهانی با مردم ایران و مبارزه و خواست های آزادیخواهانه و حق طلبانه آنها يك وجه مهم ارتقا و گسترش این مبارزه است. نامه اتحادیه راه آهن آلمان به جمهوری اسلامی اقدامی بسیار ارزشمند در این راستا است. به ندرت اتحادیه های کارگری در غرب اینقدر صریح و روشن از مطالبات سیاسی مردم از جمله محاکمه عاملین سرکوب و کشتار مردم، آزادی زندانیان سیاسی و برابری زن و مرد حمایت کرده اند. این اقدامی بسیار پیشرو است و حزب کمونیست کارگری همه تلاشش را برای گسترش این حرکت در میان سازمانهای کارگری در سطح جهان بکار میگیرد.

خلیل کیوان دبیر تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

ایران هر روز زیر پا گذاشته میشود. جای تاسف است که دوباره و همچنان نام فعالین اتحادیه ای در لیست دستگیرشدگان قرار دارد.

با احترام
الکساندر کیرشنر
۱ ژوئیه ۲۰۰۹

انتخابات مجدد و آزاد تحت نظارت ارگانهای بین المللی از جمهوری اسلامی اکیدا میخواستیم به ضرب و شتم دولتی پایان دهد. کسانی که مسئولیت کتک با باتوم، کشتن و زخمی کردن تظاهرات کنندگان را در طی روزهای اخیر داشته اند باید محاکمه شوند. در ایران فعالین اتحادیه ها سالهاست تحت تعقیب هستند و زندانی میشوند. فعالین کارگری در ایران فقط میتوانند مخفیانه فعالیت کنند. نرم پایه ای شکل بین المللی کارگری در مورد فعالیت آزاد اتحادیه ای در

آزادی، دموکراسی و علنییت تظاهرات میکنند از حمایت و اتحاد کامل اتحادیه راه آهن- ترانس نت برخوردار هستند. ما از جمهوری اسلامی میخواستیم: - آزادی فوری همه دستگیرشدگان در طی تظاهرات ها و همه زندانیان سیاسی - حق تشکیل اتحادیه های مستقل و آزادی همه فعالین اتحادیه های کارگری که دستگیر شده اند - احترام و به رسمیت شناختن حقوق جهانشمول انسان ها - احترام و به رسمیت شناختن آزادی عقیده، مذهب، مطبوعات و تجمع - برابری زن و مرد

به: آقای رضا شیخ عطار
سفیر جمهوری اسلامی ایران
موضوع: تظاهرات در ایران
آزادی فعالیت اتحادیه ها
سفیر محترم

ما به شدت نگران اتفاقات جاری و روند آن در ایران بعد از انتخابات ریاست جمهوری هستیم. در اتحاد با کارگران ایران ما از جمهوری اسلامی ایران میخواستیم که سرکوب وحشیانه تظاهرکنندگان توسط ارگانهای امنیتی را متوقف کنید. عکسهای عمیقاً تکان دهنده تظاهرات کنندگان زخمی و حتی کشته شدگان به دست ما رسید. مردم ایران که بعد از انتخابات برای



مبارزات و اعتراضات جاری در ایران، شما را به شرکت در تظاهرات روز شنبه ۴ ژوئیه از ساعت ۱ بعد از ظهر در مقابل سفارت جمهوری اسلامی فرا میخوانیم.

مردم ایران و مبارزه شان برای آزادی و رهایی از شر حکومت جانین اسلامی بیش از هر زمانی دیگر شایسته حمایت و همبستگی می باشد.

تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران
هامبورگ

فراخوان به تظاهرات در هامبورگ جمهوری اسلامی نمی خواهیم، نمی خواهیم



شرط همه دستگیر شدگان و در محکومیت سرکوبگرهای جمهوری اسلامی بر علیه

در دفاع از جنبش انقلابی مردم ایران علیه جمهوری اسلامی، برای آزادی فوری و بدون قید و

تلویزیون کانال جدید

Hotbird 8

Frequency 12303 Mhz

FEC 3/4

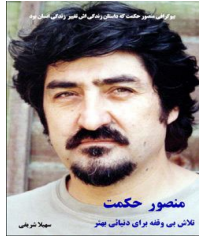
polarization Vertical

www.newchannel.tv

New Channel TV

اساس سوسیالیسم انسان است .

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است .



منصور حکمت

را انباشته است. خبرنگاران و خبرتراشان، شرق شناسان، متخصصین دول غربی، احزاب ملی و میهنی، گروهها و دستجات جهان سومی و شرقزده ای که برای دوره ای بدلتالی خارج از اراده خویش دچار عارضه خود کمونیست پنداری شده بودند، همه با اشتیاق به این صحنه آشفته و این تصویر معوج خیره شده اند و باور و نظر و الهامشان را از آن میگیرند. اگر اینها را باور کنیم، ایران در آستانه یک رستگاری

زیر حجاب اختناق

استبداد و خفقان، جبرانمایی وارونه و مخدوش از حقایق سیاسی جامعه ترسیم میکنند. همیشه سقوط رژیمهای دیکتاتوری عاقبتی جز آنکه ناظران سیاسی بر مبنای مشاهدات پیشین انتظار کشیده اند ببار آورده است. کاملاً قابل فهم است که چگونه در یک فضای مختنق ماهیت و توان و برنامه نیروها و احزاب سیاسی، توازن قوای میان نیروهای اجتماعی، جهت و شتاب روند های سیاسی و از همه مهم تر تمایلات سیاسی و اجتماعی واقعی خود مردم و طبقات مختلف اجتماعی بدرستی بروز پیدا نمیکند و منعکس نمیشود. ایران تحت سلطه رژیم اسلامی نمونه زنده یک محیط

اسلامی دیگر است. آخوندهای اهلی، با اسلامی معطر به گلاب مدرنیته، با دگراندیشانی به اندازه کافی مسلمان و مسلمانانی به اندازه کافی دگر اندیش، با قانونی ملهم از فقه و فقیهیی تابع قانون، قرار است ایران را در روندی تدریجی و بدور از آشوب و انقلاب وارد جمهوری اسلامی دوم کنند. و این آن "جامعه مدنی" است که به زعم حجره دار نمازخوان بازار و پسران خارج درس خوانده اش، مردم ایران یک قرن است آرزو و استحقاقش را دارند. ایران از قرار در این مسیر افتاده است. اما در پس این معرکه، تاریخ واقعی در جهت دیگری سیر میکند. باید فراتر را نگاه کرد. گوش را باید به زمین چسباند و لرزش بنیادهای این نظم ارتجاعی را حس کرد. جدال جاری در جامعه ایران مقابله اسلام قساوت و اسلام تساهل نیست، جدال

از نشریه ایسکرا شماره ۳
۱۴ فروردین ۱۳۷۷ ۴ آوریل ۱۹۹۸



گرامیداشت منصور حکمت

دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم، و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود

در دنیائی که جهالت و مذهب و خرافه و جنگ و بمب و فقر و دهها مصیبت دیگر زندگی مردم را تباه کرده است، منصور حکمت پرچمدار گردن نگذاشتن به وضع موجود و مبشر تلاش انسان امروز برای زیر و رو کردن این جهان وارونه بود. حرف او ساده و عمیق بود: بشر میتواند و باید خوشبخت زندگی کند و سعادت بشر تنها در گرو اینست که نیروی اجتماعی این تحول در مقیاس وسیع قد علم کند.

سخنرانان

فاتح بهرامی

عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

عصام شکری

دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری چپ عراق

زمان:

شنبه ۴ ژوئیه ۲۰۰۹، ساعت ۷ بعد از ظهر

مکان:

۵۱۲۰ خیابان یانگ، نورت یورک ستر، طبقه دوم کتابخانه مرکزی

Yonge St. North York Center, Auditorium Room 5120
(Above the Library)

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران، واحد شرق کانادا
تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری چپ عراق، واحد کانادا

سایت حزب: www.wpiran.org

سایت روزنه: www.rowzane.com

نشریه انترناسیونال: www.antemasional.com

سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

آدرس پستی

I.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

مسئول صفحه بندی انترناسیونال: آرش ناصر